

تعلیم و تربیت در هند

مقدمه تاریخی: تاریخ قدیم هند چنانچه باید روشن نیست. در کتاب ایوب به نروتهای هندگفت و سرشار این کشور که هنوز هم قسمتی از آن مرموز و تاریک است اشاره شده و از اینجا معلوم میشود که سرزمین هندوستان از روزگار قدیم از حیث اقتصاد موقعیت بسیار خوبی را دارا بوده است. این کشور از آغاز مهاجمه اسکندر (۳۲۷ م) باینطرف تاریخ منظم و معینی دارد. در قرن هشتم اعراب بدان سرزمین تسلط یافتند و پس از چند قرن تمرلان امپراطوری بزرگی در آنجا تشکیل داد که بعدها دول اروپائی بقایای آنرا میان خود تقسیم کردند و از اینموقع کشور هندوستان تحت تسلط دول غرب قرار گرفت.

مذهب هندیها تا آنجا که میدانیم مذهب برهمن اولین مذهبی است که در هندوستان زمینه مناسبی برای رواج و توسعه پیدا کرده است ولی پس از آنکه مذهب بودا وجود آمد مذاهب اولیه بکلی متروک ماند و مبادی بودا در هندوستان رواج یافت ولی طولی نکشید که غالب بیروان این مذهب دست از عقیده خود برداشتند بطوریکه امروز عمده بیروان مذهب بودا بسیار کم است که غالب آنها در جزیره سیلان و در نواحی مجاور چین زندگی میکنند.

کتاب مقدس هندیها موسوم به ودا میباشد که کتابهای ذیل نیز بدان ملحق شده است بوراناس^۲ (کتاب دعا) ماهابهاراتا^۳ رامایانا^۴ کتاب حماسه، قوانین مانو^۵ که عبارت از مجموعه آداب اخلاقی و قوانین و احادیث و رسوم و آداب هندی میباشد.

از میان کتاب مذکور قوانین ودا در درجه اول اهمیت واقع شده زیرا این مجموعه شامل افکار و آرایائی بوده و گزارشهای عمده این ملل را از بدو مهاجمه تا استقرار قطعی آنها در هند بطور تفصیل شرح میدهد، بعلاوه فکر وحدت مطلق از این کتاب استنباط میشود.

اینک شمه ای از عبارات این کتاب را که فکر وحدت از آن مفهوم میشود

قلل میکنیم:

• در آغاز کار خدائی خواب آلود بنام برهم^۱ وجود داشت وقتی بیدار شد آفرینش را آغاز کرد. از بطن او برهما^۲ ویشنو^۳ و-یوا^۴ خارج شدند . طبقات مختلف هندیها - مدتهای درازاهالی هندوستان از لحاظ آداب و رسوم اجتماعی به سه طبقه تقسیم شده بودند :

طبقه اول برهم ها بودند ، این طبقه شامل کشیش ها و دانشمندان و حقوق داناها و اطبا و استادان بود طبقه دوم شامل افسران و سربازان و سلحشوران و پیشه وران و برزگران بالاخره خدمتکاران و نوکرها طبقه سوم را تشکیل میدادند .

این طبقه از تعلیم و تربیت محروم بودند و آداب اجتماعی حق تعلیم گرفتن را برای آنها قائل نشده بود ، پائین تر از طبقات مذکور طبقه دیگری بنام ماریاها وجود داشت که از طبقات دیگر پست تر میشمردند ، افراد طبقات اول و دوم و سوم با این طبقه معاشرت نمیکردند و آنها را تقریباً مثل حیوانات میدانستند .

برهم ها دارای نفوذ و اقتداری بی خطر بودند و این نفوذ و اقتدار در طی قرون متمادی استوار بود ، زیرا برهم ها تمام قوای معنوی را در دست داشتند و مواقع مهم اجتماعی را اشغال میکردند بعلاوه حدود معلومات طبقات دیگر بوسیله آنها معلوم میشد و دیگران حق نداشتند از حدودی که بوسیله برهم ها تعیین شده است تجاوز کنند .

تربیت خانوادگی - هندیها از روزگار قدیم نسبت به تربیت فرزندان خود علاقه زیادی داشتند و کوشش میکردند که آنها را برای زندگی آینده مهیا کنند . بعلاوه در تربیت فرزندان خود آداب و رسوم اجتماعی را رعایت میکردند احترام پدر و آموزگار را به اطفال تلقین مینمودند تعلیماتی که اطفال در خانواده فرا میکردند عبارت بود از چند دستور مذهبی و فرا گرفتن بعضی مشاغل ساده .

سرنوشت اطفال مربوط بوضعیت خانواده بود ، زیرا بندرت اتفاق میافتاد طفلی بتواند شغلی غیر از آنچه پدرش داشته است اختیار کند . بدیهی است این وضعیت طبقات اجتماعی را یکنواخت بار آورده ذوق و احساسات مخصوص اطفال را

حرفه کرده آنها را مانند مصنوعات ماشین در غالب رسوم خانوادگی پرورش میدهد اطفالی که در چنین محیطی تربیت میشوند کمتر ممکن است بوسیله ابتکار شخصی بمقامات عالی تری نایل شده از حدودی که سابقا برایشای رسم شده است تجاوز کنند تعلیم و تربیت مقدماتی - مطابق رسوم تعلیم و تربیت بمعنی اصطلاحی

مخصوص طبقات عالی است و در طبقات دیگر چنانچه باید نفوذ نمیکند . اگرچه در کتاب شاسترا^۱ دستور داده شده که در هر دهکده ای یکباب آموزشگاه تاسیس شود ولی این دستور اجرا نشده و در جاهائیکه آموزشگاه وجود دارد زنان از شرکت در آن محرومند ، غالب هندوها تحت نفوذ آداب قدیمی نسبت به تعلیم گرفتن زن نظر خوشی ندارند و تصور میکنند زن که تعلیم گرفت وظایف خود را فراموش میکند .

آموزگاران از طبقه برهم ها انتخاب میشوند و همه کس آنها را محترم میدارد ، در قوانین و دامسطور است که وقتی آموزگار از تپه یا کوهی بالا میرود دیگران موظفند صندلی یا وسایل استراحت همراه داشته از عقب او بروند و بعضی اینکه آموزگار احساس خستگی میکند وسایل استراحت او را فراهم آورند .

در یکی از کتب خارجی راجع باحترام آموزگار چنین آمده : «هر کس آموزگار خود را سرزنش کند پس از مرگ روح او ببدن حیوانات حلول خواهد کرد و کسی بمقام آموزگار حسد ورزد پس از مرگ بصورت یکی از حشرات کثیف خواهد شد.»

تعلیمات آموزگار برای اشخاص يك قسم وظیفه روحانی بوجود میآورد تعیین اجرت در مقابل تعلیمات آموزگار پسندیده نیست ولی دانش آموزان میتوانند لدی الافتضا در حدود استطاعت خود چیزهائی به آموزگار ببخشند .

قسمت مهم دروسی که اطفال فرا میگیرند از کتب مذهبی اقتباس شده است امثال و قصص وسیله تعلیم اخلاق است اصول مذهبی که باطفال یاد داده میشود شامل دو قسمت است ، قسمت اول شامل شش دستور میباشد که در باره مسائل ذیل گفتگو میکند :

الف : قتل ، دزدی ، رذالت

ب : دروغ ، تهمت ، ناسزا ، یاوه گوئی

پ : شهوترانی ، شیطنت ، لجاجت

قسمت دوم اصول مذهبی توصیه مینماید که از خطرات ذیل پرهیز باید کرد : شرابخواری ، بازی ، تنبلی ، معاشرت با بدانان ، تفریحات بیمعنی .

فرائت و مشق خط و حساب ، سایر مواد بر نامه را تشکیل میدهد

طریق تدریس : آموزگار بهر يك از دانش آموزان بطور جداگانه درس میدهد گاهی اوقات تعلیم يك قسمت از دانش آموزان بعهده دانش آموزانی که از آنها که جلو ترند واگذار میشود ، طریقه تعلیم حروف از اینقرار است ، ابتدا طفل با انگشت یا بوسیله چوب شکل حروف را روی شن رسم مینماید ، پس از مدتی برک درختان را مورد استفاده قرار داده ، شکل حروف را بوسیله میخ روی آن رسم میکند وقتی از این مرحله گذشت میتواند بوسیله مرکب روی برگ چنار خط بنویسد . در ضمن تدریس حساب جدول ضرب در مقدمه اعمال اربعه قرار گرفته و طفل باید قبل از هر چیز آنرا بیاموزد تنبیه و مجازات در مؤسسات تعلیم با رأفت و ملایمت توأم است در قوانین مانو راجع به تنبیه دانش آموزان اینطور مینویسد :

« آموزگار باید حتی المقدور وسائل ساده و بدون رنج را برای مجازات اطفال انتخاب کند . وقتی دانش آموز مرتکب خطائی میشود آموزگار بایستی او را سرزنش نماید و بگوید که اگر این خطا تکرار شد بوسیله چوب او را مجازات خواهد داد . »
در روزهای سرد زمستان ، اگر دانش آموز خطائی مرتکب شد آموزگار میتواند بوسیله چند قطره آب سرد او را مجازات نماید .

تعلیمات عالی - تعلیمات عالی از چند هزار سال پیش در هندوستان معمول بوده مدتها قبل از میلاد مؤسساتی بنام پاریشاد وجود داشته که در آنجا تعلیمات بشاگردان میداده اند ، بن مؤسسات بدو دارای سه استاد بود ولی بعدها عده استادان زیاد شده به بیست و یک نفر رسید و پاریشاد بصورت يك دانشگاه درآمد مدتهای مدید ، تحصیلات عالی به برهمها اختصاص داشت و دیگران از آن محروم بودند ، ولی بتدریج در هر يك از شهرها مؤسساتی برای تعلیم ادبیات و حقوق و ستاره شناسی و طب بوجود آمد ، بر نامه

این موسسات شامل کلیه اطلاعات و مواد ضروری بود مسائل مذهبی قوانین و دستور زبان ریاضیات، نجوم، ادبیات، فلسفه، حقوق طب و سایر علوم که در عصر قدیم متداول بود، در این موسسات تعلیم داده میشد.

بقیة هندیها قوانین، انوانسان را برای نیل بکمال، مطلوب آماده میسازد. بموجب قوانین مذکور بر هر کسی لازم است مندرجات و دارا بیاموزد و بعد از آن بعضی ریاضات بدنی را تحمل کرده بشکمیل نفس خود بکوشد، از حکمت و فلسفه بهره کافی بدست آورد و پدر طبیعی و روحانی خود را مورد احترام قرار دهد.

بطوریکه گفتیم اساس تعلیمات هندی بر مبادی مذهبی استوار شده و ریشه علوم آنها از قوانین ودا استخراج گردیده است.

صحت اصوات برای تلفظ حقیقی حروف و کلمات تعلیم داده میشود، دستور زبان برای جمله بندی و تکلم بطور صحیح جزو مواد تعلیم است، رسوم و آداب مذهبی برای اصلاح رفتار انسان و نجوم برای تعیین وقت عبادات در ضمن برنامه تعلیمات عالی قرار گرفته است؛ حقوق و حدیث و منطق و اصول مذهب؛ بمواد سابق اضافه شده و علوم ده گانه بوجود آمده است.

هندیها در کار دستور زبان بی نهایت رنج برده اند و بسیاری از تحقیقات آنها هنوز هم مورد توجه و استفاده دستور نویسان است، در ریاضیات زحمت زیاد کشیده اند، ابداع طریقه اعشاری را به آنها نسبت میدهند.

قضاوت و انتقاد طرز تعلیمات عالی هند، برای عده زیادی دانشمند و فیلسوف و ریاضی دان، مساعد است ولی به تربیت مقدماتی و تعلیم ابتدائی توجهی نغده است.

طبقه چهارم و سوم از تعلیم بهره کافی ندارند و بتعلیم زنان چنانچه باید توجهی نمیشود اصول امتیاز طبقاتی موجب غرور و کبر یای هندیها شده و به افکار غربی اعتنائی نمیکند در قرن اخیر آموزشگاهها و دانشگاههایی مطابق اصول اروپائی در بعض نقاط بوجود آمده است. البته این مؤسسات در اصلاح وضع تعلیمات این سرزمین مؤثر اقتاده است امید میرود زودی تعلیم جدید در تمام طبقات نفوذ کند: